

سرمایه داری و بحران کرونا

سوسیالیسم بیش از هر زمان ضروری و مبرم است!

اعلامیه حزب حکمتیست

حداقل دستمزد سال ۹۹

سیاست تشدید فقر و گرسنگی طبقه کارگر

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه سیاست کشتار جمعی بازگشت بکار بایستیم!

در یک نگاه!

نان و جان در اختیار جانیان!

صفحه ۶

رحمان حسین زاده

برای مبارزه با بیکاری بیکاران را بکشید!

صفحه ۷

آذر ماجدی

پاندمیک ویروس کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی

قسمت چهارم

صفحه ۸

جمال کمانگر

معامله کثیف دولت اقلیم کردستان

صفحه ۱۰

سعید یگانه

اعلامیه کمیته کردستان حزب در باره
اعدام مصطفی سلیمی

دولت را
موظف کنیم!

برای مصطفی سلیمی
سیاوش دانشور

۵۳۹

مصطفی کومنیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۲۹ فروردین ۱۳۹۹ - ۱۷ آوریل ۲۰۲۰

مانیفست اول مه

جهان هنوز در چنگال کرونا است. هنوز مشخصات دنیای پسا کرونا بدرستی روشن نیست. با اینحال تأثیرات تاکنونی سیاسی و اقتصادی کرونا و چشم اندازهای آن بدرجه زیادی روشن است. پیامدهای انسانی این بحران و راستگرایی بیشتر در سیمای فکری و ایندولوژیک حاکمین جهان مُسجل است. امروز روشن است که بحران اقتصادی ناشی از کرونا تاکنون چه برسر مردم کارگر و زحمتکش آورده است. بیکاری چند صد میلیونی و چشم انداز بیکارسازی وسیع تر، دورنمای فقر و فلاکت و حتی قحطی در مناطقی از جهان غیر ممکن نیست. با اینحال دنیای پسا کرونا هر مشخصاتی داشته باشد، یک چیز مسلم است و آن اینست که جنبشهای سیاسی و طبقاتی در مقیاس جهانی و در ایران نیز، خود را برای بعد از کرونا آماده میکنند. کرونا بالاخره با هر درجه از تلفات انسانی، لطمات اجتماعی و اقتصادی، تمام میشود. دنیای بعد از کرونا دنیای کشمکش برسر سهم بازماندگان از جهانی است که سرمایه و سرمایه داری برای مردم قرن بیست و یکم به ارمغان آورده است.

اینروزها بعضاً نشریات غربی و سخنگویان بورژوازی از "بازگشت مجدد مارکس" و نوعی "سوسیالیسم" سخن میگویند. حتی امنیتی ها و ژورنالیست-بسیجی‌های رژیم اسلامی فرصت را غنیمت

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مانیفست اول مه ...

شمرند که علیم کمونیسْم یاوه بگویند و از "کرونائیسْم بعنوان صورت جدیدی از مارکسیسْم" سخن بگویند. این آه و ناله های بورژوازی انعکاس یک وحشت اجتماعی و طبقاتی از عملکرد و کارنامه سیاه خویش است که از زبان قلم به مزدهایش جاری میشوند. آینده سوسیالیسْم البته توسط اینها تعیین نمیشود، نهایتاً اینها هم باید نان بخورند و در سنگر تبلیغات ضد کمونیسْتی جَد و جهد کنند. آینده کمونیسْم و سوسیالیسْم را جنبشی تعیین میکند که در برابری و رفع تبعیض و نفی استبداد و استثمار ذینفع است نه کسانی که برای مَرمت و تداوم نظم قصابخانه ای بورژوازی "جهاد" میکنند.

پساکرونا امروز سوالی است که بیشتر از دوران وحشت کرونا بر ذهن و عمل طبقات اجتماعی و جنبش هایشان سایه افکنده است. درست مانند یک جنگ مهیب، یک بمباران اتمی، یک تراژدی بزرگ انسانی، که بالاخره روزی تمام میشود. اما صحنه سیاست و جدال طبقات و سهم انسان امروز در دوره جدید سوال مهم و استراتژیکتری است که باید به آن جواب داد. طبقه کارگر جهانی و جنبش کمونیسْتی طبقه کارگر نیز باید این سوال را در مقابل خود بگذارد، مصافهای ایندوره را بشناسد و به سنگرهای مبارزه سیاسی و طبقاتی معطوف شود.

در ایران نیز سران حکومت اسلامی از هم اکنون به استقبال دوره پساکرونا رفته اند. روحانی میخواید چند میلیونی را به کشتن بدهد تا نفس جامعه انفجاری را در سینه حبس کند. رئیسی جلاد از هم اکنون با زبان آخوندی "مقابله با جرم" دم و دستگاه سرکوب قضائی سرمایه را برای تقابل با کارگر و اعتراض توده ای گرسنگان روغنکاری میکند. جنبشهای ارتجاعی از حکومتی تا اسلامیون حاشیه حکومت و سلبریتی های نان خورشان و "مردم خیز" مورد اشاره خامنه ای نیز همینطور. اینها دلشان برای کسی نسوخته است، حتی وجدان مُعذّب لیبالی شان را التیام نمیدهند، اینها وحشت کرده اند و در کابوس هایشان رژه دهها میلیون گرسنه و عصبانی "آبان ماهی" را می بینند. اینها خود را برای مواجهه با اعتصاب و اعتراض و خیزش انقلابی آماده میکنند.

جنبش طبقه کارگر و رهبری رادیکال و سوسیالیست آن و مارکسیست ها و کمونیسْت ها نیز باید در صفی واحد و محکم برای پساکرونا آماده شوند. بدترین کار میتواند این باشد که خود را به مسائل خرد و ریز مشغول کنیم و در متن این بحران و بعد از آن از عینک دنیای قبل از کرونا به مسائل بنگریم. جامعه ایران خیزش انقلابی آبان ۹۸ را از سر گذرانده و سرکوب خونین موفق نشد این جامعه را مرعوب کند. بحران کرونا برای رژیم اسلامی موقتاً وقت خرید اما اینهم دو لبه بود. در ایران دستگاه لغت و لیس دین بی آبرو بود اما در متن این بحران کُل صنعت دین در جهان و در ایران بیش از کُل تاریخ مکتوب بی اعتبار شد. دور نیست روزی که مردم انقلابی و خشمگین برج و باروی مذهب و نمادهای آنرا بر سر برپا دارندگانشان ویران کنند.

مهمترین حلقه سیاست کارگری در ایندوره گرفتن ابتکار عمل سیاسی برای دوره پساکرونا است. این حلقه وصل آبانماه ۹۸ به دوره جدید و تداوم آنست. برای اینکار تلاشهای متعددی باید صورت بگیرد اما عجلتاً و در مناسبت اول مه، روز جهانی کارگر، ضروری است طبقه کارگر در مقابل بورژوازی حرف روشن خود را بزند و رئوس

مانیفست طبقه خویش را اعلام کند. کارگران باید خود را در قامت "دولت سایه" ببینند و راه حل خود را برای معضلات کلیدی و محوری امروز اعلام کنند. خواستهائی که در خیزشهای توده ای دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ ریشه دارند و در ایندوران بیماری و بیکارسازی وسیع و سیاست کشتار جمعی طبقه کارگر، بورژوازی تلاش دارد آنرا گامها عقب براند.

کارگران ضروری است در باره تامین معیشت و رفاه همگانی، پرداخت فوری و یکجای کلیه حقوقهای معوقه، بیمه بیکاری مُکفی برای کلیه افراد آماده بکار، حق بی چون و چرای کُل ساکنین ایران برای برخورداری از تغذیه مناسب، طب و درمان و بهداشت مناسب و رایگان، آموزش رایگان، نفی سیاست تشدید فقر و فلاکت عمومی که خود را بعنوان مثال در دستمزدهای چند بار زیر خط فقر اسلامی بیان میکنند، دفاع از حاشیه نشینان، دفاع از کودکان کار و حق کودکان برای برخورداری از امنیت و سلامت و بهداشت و آموزش و یک زندگی شاد و ایمن، دفاع از مهاجرین و کارگران مهاجر، اسکان معتادین و بی مسکنان با رعایت شأن و کرامت انسانی آنان، دفاع از زندانیان سیاسی و آزادی فوری آنان، آزادی کلیه زندانیان تا فائق شدن کامل به بحران کرونا، قرنطینه مناطق مخاطره آمیز با تامین نیازهای تدارکاتی و اقتصادی و بهداشتی آن، برابری بیقید و شرط زن و مرد و رفع هر نوع تبعیض، ایجاد سازمانهای شورائی در مراکز کار و محلات و حق کلیه ساکنین ایران برای دخالت مُستقیم و مُستمر در مُقدرات خویش سخن بگویند. کارگران باید در مقام دولت و قدرت آلترناتیو ظاهر شوند و به مصاف قانون و دولت بورژوازی بروند. دوره پساکرونا برای طبقه کارگر دوره جدال حادث با بورژوازی مرتجع اسلامی و کلیه جنبشهای دست راستی ضد کارگری است.

سردبیر.

۱۷ آوریل ۲۰۲۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا

کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز

شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت اول مه

سرمایه داری و بحران کرونا

سوسیالیسم بیش از هر زمان ضروری و مبرم است!

آیا دیگر کسی تردید دارد که نظام سرمایه داری علیه موجودیت بشر و محیط زیست انسانهاست؟ برای کارگران کمونیست و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، ماهیت استثمارگرانه و ضد انسانی سرمایه داری از زمان انتشار مانیفست کمونیست روشن بوده است. اما هیچ زمان مانند امروز، در دوره بحران کرونا با عملکرد دولتهای سرمایه داری، ماهیت ضد انسانی و گندیدگی این نظام برای توده های طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه در ابعاد وسیع روشن نبوده است. سخنگویان سرمایه از وحشت دوره "پسا کرونا" به خود می پیچیدند، آنها حضور دائمی و روزافزون مارکس و انتقاد مارکسی به تناقضات و تضادهای نظم کاپیتالیستی را با سوال همراه با تردید "حضور مجدد مارکس؟" و با حمله به کمونیسم پاسخ میدهند. از سوی دیگر بخشاً دولتها برای مواجهه با امواج سهمگین اعتراضی که در راهند، از "درآمد پایه جهانشمول" (Universal Basic Income) سخن میگویند. همه میدانند که پاندمی کرونا کاتالیزوری شد تا موج دوم بحران اقتصادی زودتر از پیشبینی نهادهای مالی جهان بوقوع بپیوندد و هم اکنون با تشدید بحران اقتصادی، سقوط بازارهای بورس، بیکاری صدها میلیونی و پیامدهای تحولات تکنولوژیک، آینده سرمایه داری در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. جهان پساکرونا دنیای تحولات شگرف و جدالهای زیر و رو کننده است.

میلیاردها مردم جهان با چشمان خویش دیدند که سرمایه داری هیولائی است که از جنایت سازمانیافته بسان کسب سودهای سرشار لذت می برد. مردم دنیا دیدند که دولتها چه وقیحانه اعلام کردند که چه کسانی قرار است بمیرند و چه کسانی قرار است زنده بمانند، چرا که برای بدیهی ترین حق پایه ای ساکنین کره خاکی، حق سلامتی، امکانات و زیر ساختهای پزشکی و درمانی کافی وجود ندارد! همه دیدند که با استراتژی "مصونیت گله ای" و کشتار روزانه، سرمایه هنوز به تئوری جمعیت مالتوس و داروینیسیم اجتماعی و اصل "انتخاب اصلح" متکی است. همه دیدند که مجدداً دولتها ارقام نجومی به بانکها و بنگاههای بزرگ تزریق کردند و بجز حداقل اقداماتی، آنهم موقت، طبقه کارگر و شهروندان را بحال خود رها کردند. در قرن بیست و یکم، در اوج توانائی علمی و تکنولوژیکی و بارآوری کار، جهان به قصابخانه ای بدل شده که انسان کارکن در اتاق انتظار مرگ سرمایه است. فاشیسم و تئوریهای فاشیستی بدرجات مختلف عصای دست بورژوازی در بحران کرونا شد. دولتهائی که قرار بود به اداره ارائه خدمات برای رقابت سرمایه ها در جنگل بازار محدود شوند، مجدداً در مواجهه با بحران اقتصادی در راس امور قرار گرفتند تا تئوریهای قبلی شان را پوچ اعلام کنند. دولت، بعنوان ارگان مجری توحش سرمایه قد علم کرد. سرمایه داری که از خلاقیت و هنر تا سلامتی و بهداشت و آموزش و همه چیز را به کالا و به وسیله کسب سود بدل کرده است، در اوج تحولات تکنولوژیک و تولید انبوه از نجات جان شهروندان ناتوان ماند. معلوم شد بهداشت و درمان و سلامت اگر سودآور نباشد در اولویت دولتهای سرمایه داری نیست و سود بر حیات انسانها ارجحیت دارد. معلوم شد که بورژوازی برای سود نه فقط زندگی و آینده بشریت کارگر بلکه گره خاکی و محیط زیست وی را با خطر نابودی روبرو کرده است.

دنیای پسا کرونا دنیای کشمکشهای تند طبقاتی، دنیای زیر سوال رفتن قدرتهای تاکنون بظاهر باثبات، دنیای مبارزه حاد با نظم سرمایه خواهد بود. میلیاردها نفر در گرسنگی و بیکاری و ناامنی اقتصادی و بیماری دست و پا میزنند و معبودی آبر سرمایه دار بر کره خاکی سلطنت میکنند. در متن این بحران بیش از هر زمانی سوسیالیسم بعنوان نظامی مطلوب و عقلانی طرح میشود. اینبار

جنبشهای ضد کاپیتالیستی بسیار صریحتر از سوسیالیسم، از ضرورت سوسیالیسم و از نیاز به سوسیالیسم سخن خواهند گفت. نظامی که با اولویت و منفعت حال و آینده جامعه بشری در تناقض قرار دارد، باید سرنگون شود، باید با قهر انقلابی جنبش آنتی کاپیتالیستی بزیر کشیده شود. دوران پساکرونا دنیای تقابل با چهارچوبهای قانونی نظم سرمایه و ابزارهای تحمیق آنست. دنیای سقوط صنعت دین و اسطوره های جهالت مذهبی است. صنعت دین بعنوان یک ماشین مخوف خوراندن زهر این جهانی سرمایه به محرومان، بیش از هر زمان در تاریخ معاصر بی اعتبار شد. خدا و نمایندگان زمینی اش در مقابل کرونا زانو زدند. این بی اعتباری مذاهب و صنعت دین یک وجه سقوط ارکان ایدئولوژیک سرمایه داری است. طبقه کارگر جهانی و بشریت آزادیخواه بیش از پیش خود را در تقابل با سرمایه داری و سیاستهای آن می بیند و در دنیای پساکرونا ضروری است با طرح ادعای سوسیالیستی خویش بعنوان جنبش و طبقه ای آلترناتیو بمیدان بیاید. آلترناتیوی که از چهارچوبهای قانونی و پارلمانی عبور کند و راه حل کارگری و سوسیالیستی را صریح و بدون ابهام طرح کند. در این مصاف سازماندهی جنبش عمل مستقیم کارگری و توده ای، تشکیل احزاب کمونیست کارگری که آلترناتیو سوسیالیسم را در مقابل کل جامعه قرار دهند، از وظایف کمونیست ها و مارکسیست ها و از نیازهای ضروری و مبرم کشمکش طبقاتی دنیای پساکرونا است.

در ایران در متن پاندمی شدید کرونا رسماً کارگران را به کشتارگاه فرستادند، با احتکار وسائل بهداشتی جان انسانها را وثیقه کسب سودهای نجومی کردند و حتی کمکهای دریافتی برای امور درمانی و بهداشتی را روانه بازار کردند. دولت اسلامی سرمایه داران از هم اکنون برای سونامی خیزش گرسنگان و ارتش بیکاری و اعتراضات تند ضد حکومتی آماده میشود. دیگر کسی نیاز به مکاشفه پیچیده برای درک ماهیت و عملکرد جنایتکارانه عریان سرمایه داری ندارد.

تامین فوری معیشت مناسب و رفاه برای همگان، تامین مسکن مناسب برای شهروندان، تامین رایگان آموزش و بهداشت و درمان، تضمین رایگان وسایل حمل و نقل و پایان دادن فوری به انواع تبعیض ها، از خواستههای بلافضل طبقه کارگر و پرچم مبارزاتی اش است. کل آنچه که بورژوازی نمیخواهد تامین کند، دولت انقلابی کارگری در هر گوشه جهان میتواند و میخواهد تامین و تضمین کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست همراه با جنبش بین المللی طبقه کارگر اول مه را گرامی میدارد. طبقه ما در اینروز لازمست با ادعای مانیفست خود در مقابل سرمایه داری برای تغییر به میدان بیاید. در اول مه باید بر ضرورت استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر از جریانات و جنبشهای بورژوائی تاکید کنیم. طبقه ما باید حول حزب کمونیستی کارگری خود گرد آید. باید سازمانهای توده ای و شورائی خود را بسازد. باید کل طبقه از شاغل و بیکار و خانواده کارگری متشکل و متحد شود. باید در مقام رهبر آزادی جامعه قرار گیرد. باید برای سرنگونی سرمایه و دولتهاش، تصرف قدرت سیاسی و ایجاد حکومت کارگری تلاش کند. ایجاد جامعه ای به دور از بردگی مزدی و استثمار فرد از فرد، عاری از تبعیض و نابرابری، به دور از فقر و گرسنگی و بیکاری و زشتی های جوامع امروز ممکن است. هیچ زمان مانند امروز سوسیالیسم و فقط سوسیالیسم به نیاز فوری میلیاردها انسان تبدیل نشده است.

کارگران جهان متحد شوید!

نه به سرمایه داری، زنده باد انقلاب کارگری!

زنده باد اول مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر!

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

فروردین ۱۳۹۸- آوریل ۲۰۲۰

حداقل دستمزد سال ۹۹

سیاست تشدید فقر و گرسنگی طبقہ کارگر

اسلامی و قیحانہ و در کمال خونسردی حکم بہ سازماندهی جنایتی بزرگ علیہ طبقہ کارگر و مزدگیران جامعہ دادہ اند. با این دستمزدها بردگی طبقہ کارگر تشدید شدہ و میلیونہا خانوادہ کارگری بہ گرسنگی و فلاکت روزمرہ محکوم شدہ اند.

طبقہ کارگر و مزدگیران جامعہ بدون تردید علیہ این امواج فقر و فلاکت و بیکاری و بیماری ساکت نخواہند ماند. نہ کارگران این دستمزد را قبول دارند و نہ مصوبہ نہاد ضد کارگری "شورایعالی کار" حرف آخر است. این قانون نوشتہ شدہ است اما قانون واقعی و نوشتہ را ہموارہ تناسب قوای طبقاتی تعیین میکند. اعلام دستمزد چند برابر زیر خط فقر، اگر از یکسو برملا کنندہ توحش بورژوازی و ماہیت حکومت مبتنی بر دیکتاتوری عریان و استثمار خشن کار ارزان است، از سوی دیگر دورنمای تداوم یک تقابل شدید طبقاتی جنبش طبقہ کارگر با بورژوازی و حکومت اسلامی را ترسیم میکند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، کارگران را بہ اعتراض گسترده علیہ سیاست تشدید فقر و فلاکت عمومی فرامیخواند. کارگران باید در مقابل سیاست سرمایہ داران و دولت شان پلا تفرم و مانیفست "تامین معیشت و رفاه ہمگانی" را طرح کنند. آنچه کہ دولت اسلامی و سرمایہ داران نمیخواہند و مدعی ہستند کہ نمیتوانند تامین کنند، دولت انقلابی کارگران بہ بہترین شکلی تامین و تضمین میکند. حزب حکمتیست کارگران کمونیست و رہبران عملی کارگران را دعوت میکند کہ در مناسبت اول مہ، روز جهانی کارگر، از جملہ این قانون بردگی حداقل دستمزد را برسر منادیانش بکوبند و پرچم "تامین معیشت و رفاه ہمگانی" را علیہ فقر و فلاکت و بیکاری و بیماری برافرازند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زندہ باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۲ فرودین ۱۳۹۹ - ۱۰ آوریل ۲۰۲۰

نہاد ضد کارگری و دولتی - کارفرمایی موسوم بہ "شورای عالی کار" در ادامہ سیاست تمیل فقر و فلاکت اقتصادی بہ طبقہ کارگر، حداقل دستمزدهای سال ۱۳۹۹ را با ۲۱ درصد افزایش اعلام کرد. حداقل دستمزدها با افزایش ۲۱ درصدی در سال بہ حدود یک میلیون و ہشتصد و سی ہزار تومان تومان میرسد. این رقم حتی بسیار کمتر از نرخ تورم اعلام شدہ خودشان و قانون "افزایش دستمزد بر اساس نرخ تورم" است. یعنی اگر بہ حساب و کتاب و چہارچوب همان قانون کار کذائی ہم پایبند بودند، باید حداقل دستمزدهای امسال بہ احتساب نرخ تورم ۴۱.۲ درصد بہ دو میلیون و ہشتصد ہزار تومان میرسید. در صورتی کہ بنا بہ محاسبات خود کارگران با توجہ بہ نرخ تورم واقعی و ہزینہ ہا و قدرت خرید کارگران، دستمزدها باید بالاتر از ہشت میلیون تومان میبود. مضافاً اینکہ اولاً، این حداقل دستمزد شامل تعداد بسیار کمی از کارگران میشود و ثانیاً بہ آن دستمزد نمیتوان اطلاق کرد. دستمزد باید پاسخگوی نیازهای رفاهی کارگر و خانوادہ کارگری باشد، در صورتی کہ این مقرری چند بار زیر خط فقر فقط برای زندہ نگاہداشتن بردگان گرسنہ است.

این تصمیم شورای عالی دولتی - کارفرمایی تلاشی دیگر برای تشدید فقر و گرسنگی طبقہ کارگر و تداوم استثمار خشن در متن بیکاری وسیع است. ادعای افزایش ۲۱ درصدی حداقل دستمزدها دروغی بزرگ است چون قدرت خرید کارگر با این دستمزدها با توجہ بہ تورم واقعی و گرانی و آزاد شدن قیمت کالاہای اساسی، عملاً در قیاس با سال گذشتہ کاهش یافته است. این دستمزد حداقل براساس آمارهای بانک مرکزی چند برابر زیر خط فقر رسمی است. نہاد دولتی کارفرمایی جانان

کارگران جهان متحد شوید!

در اول مہ نہ شاهی تاجگذاری کردہ است، نہ مذہبی آمدہ است، و نہ "ملتی" درست شدہ است! اول مہ روز یک طبقہ جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است کہ برای تغییر ریشہ ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزہ میکند! اول مہ روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است کہ جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است کہ اسپارتاکوس های این جنبش، رہبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رہائی جامعہ راہی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیہ سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زندہ باد اول مہ!

زندہ باد انترناسیونالیسم کارگری!

زندہ باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۰

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه سیاست کشتار جمعی بازگشت بکار بایستیم!

چند روز پیش خبری درز کرد: روحانی در جلسه روز سه شنبه ۱۹ فروردین "شورای عالی امنیت ملی" گفته است: "حتی اگر دو سه میلیون نفر هم بدلیل بیماری کرونا بمیرند کشور را تعطیل نخواهیم کرد چون چند وقت دیگر با اعتراض خیابانی سی میلیون گرسنه روبرو خواهیم شد".

این اظهارات حاکی از یک تصمیم آگاهانه سران نظام اسلامی برای کشتار جمعی کارگران است. یکبار دیگر برای حفظ قدرت و بساط دزدی و بچاپ بچاپ شان می خواهند دو سه میلیون انسان را سر به نیست کنند. در جنایتکار بودن این رژیم احدی شک ندارد. همه می دانند که یک مشت جانی بالفطره بر کشور حکم می رانند و کشتن برایشان از آب خوردن آسان تر است؛ این سخنان تنها سندی دیگر بر ظرفیتهای آدمکشی این رژیم است. در هراس از شورش و خیزش

انقلابی کارگران و مردم محروم رسماً اعلام می کنند که آماده اند دو سه میلیون نفر را در مواجهه با کرونا به کشتن بدهند. مردم را محکوم کرده اند که یا از کرونا بمیرند یا از گرسنگی؛ و در صورت اعتراض در زندان. این سخنان همچنین نشان میدهد که رژیم اسلامی به چه میزان نگران سرنوشت خویش است. ثابت میکند که این جانیان در وحشت سرنوشتی روز را به شب میرسانند. نشان میدهد که کشتار آبانماه از لرزه مرگ بود و اکنون نیز در هراس از مرگ قریب الوقوع حکم به کشتار میلیونی می دهند.

این رژیم را باید به زیر کشید و تمام این جانیان را به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد. جنگ کارگران و مردم آزادیخواه با رژیم اسلامی ادامه دارد. هر روز جبهه نبرد دیگری باز می شود و مردم با چنگ و دندان با رژیم می جنگند. باید رژیم اسلامی را وادار کنیم که معیشت مردم را تامین کند. مردم فقط با دو انتخاب مرگ از کرونا یا مرگ از گرسنگی روبرو نیستند؛ انتخاب سومی نیز موجود است: مبارزه برای عقب نشاندن این قاتلین و سرنوشتی این نظام جنایتکار.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۸ فروردین ۱۳۹۹ - ۱۶ آوریل ۲۰۲۰

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در رابطه با اجرای حکم اعدام مصطفی سلیمی!

صبح امروز شنبه ۲۳ فروردین، مصطفی سلیمی که ۱۷ سال از عمرش را در زندانهای جمهوری اسلامی بسر برده بود و توانسته بود از زندان فرار کند، توسط جلادان جمهوری اسلامی اعدام شد. مصطفی سلیمی بدنبال شورش در زندانهای جمهوری اسلامی و برای نجات جان خود به منطقه تحت حاکمیت اقلیم کردستان پناه برده بود و توسط نیروهای امنیتی اتحادیه میهنی به مقامات جمهوری اسلامی تحویل داده شد و بلافاصله اعدام شد.

این اولین و آخرین بار نیست که جانیان اسلامی دستشان به خون انسانی آغشته میشود. ورود اتحادیه میهنی به این معامله ضد انسانی هم تازگی ندارد، اما تحویل دادن زندانی فراری آنها در شرایط پاندمی کرونا و وضعیت زندانها در ایران درجه بالایی از سرسپردگی به جمهوری اسلامی را عیان میکند. اتحادیه میهنی میتوانست طبق همان قوانین بورژوازی به مصطفی سلیمی پناه بدهد. اما این عملکرد جنایتکارانه برای هزارمین بار ثابت کرد که پرچم دروغین دفاع از مردم کرد، درونمایه ای جز چانه زنی برای سهم خواهی نیست و در این راه هر کمکی به هر جنایتی قابل توجیه است.

همینطور سکوت و یا موضع دوپهلوی احزاب ناسیونالیست مستقر در اقلیم کردستان در باره نقش کلیدی اتحادیه میهنی در اعدام مصطفی سلیمی را باید به حساب محاسبات خرد و معامله گرانه از نوع اتحادیه میهنی گذاشت. انتظار بیشتر از این احزاب عبث است.

اما معنی سیاسی این عملکرد اتحادیه میهنی و کسانی که زیر این تصمیم مهر و امضا زدند، بسیار فراتر از این مورد مشخص و تاریخی از این نوع عملکرد است. این واقعه به هر فعال سیاسی در اپوزیسیون این هشدار را میدهد که قابل فروش و معامله است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اعدام جنایتکارانه مصطفی سلیمی و همکاری مستقیم اتحادیه میهنی در اجرای این حکم را قویاً محکوم میکند. از نظر ما مردم آزادیخواه در کردستان ایران و عراق نباید در مقابل چنین جنایتی سکوت کنند. مقامات امنیتی اقلیم کردستان و بخصوص اتحادیه میهنی در مقابل این عمل ضد انسانی باید پاسخگو باشند و تحت فشار گذاشته شوند. باید با قدرت اعتراض مردم آزادیخواه و فشار نیروها و احزاب و نهادهای انساندوست مسئولین و مسببین این عمل وقیحانه به جامعه معرفی و به سزای عملشان برسند. هرکس و دارودسته ای این جنایت را مرتکب شده است، حکومت اقلیم کردستان مسئول تامین آسایش و امنیت در جامعه است و باید جوابگو باشد. این توطئه شنیع برای همیشه در حافظه مردم منطقه ثبت خواهد شد و عاملین این جنایت باید پاسخگوی این قتل و معامله ضد انسانی باشند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست مجدداً ضمن محکوم کردن این جنایت، به خانواده، بستگان، دوستان و هم بندهای مصطفی سلیمی تسلیت میگوید و خود را در غم از دست دادن وی شریک میداند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۳ فروردین ۱۳۹۹

در یک نگاه!

نان و جان در اختیار جانیان!

رحمان حسین زاده

نظم استعمارگر کاپیتالیستی بر نان و جان اکثریت عظیم بشریت کره زمین تسلط دارد. همین پدیده و ارونه، پایه ای ترین تناقض و درد اجتماعی گریبانگیر انسانیت است. اما از آن تراژیک تر وقتی است که نان و جان انسان در کنترل جانیان جمهوری اسلامی، همپالگیهای هیتلر و موسولینی و صدام حسین و فاشیستهای شناخته شده جهان باشد. دو مورد تصمیمات این هفته سردمداران جمهوری اسلامی به نحو شاخصی ضدیت عمیق آنها با جان و نان و معیشت شهروندان جامعه ایران را نشان میدهد.

۱- **حداقل دستمزد:** بعد از مدتها مانور و بحث و پروپاگاند و فضا سازی حول مساله "حداقل دستمزد" یک مشت جنایتکار ضد کارگر و ضد مردم، به نیابت از دولت ضد انسانشان خم به ابرو نیاورند، به زندگی میلیونها انسان کارکن و مزدبگیر تیغ زدند. به اصطلاح "نرخ دستمزدی" را اعلام کرده اند که آشکارا چندین بار زیر خط فقر است. ننگ و نفرت بر جانمایی که خود میدانند، معنی عملی تصمیم آنها تحمیل گرسنگی و مرگ بر خانواده های کارگری است.

این دستمزد نیست، اعلام چندرغاز مقرری تحت نام گمراه کننده "دستمزد" است. بیشرمانه لاف میزنند که گویا ۲۱ درصد به حقوق سال قبل افزوده اند، اما افزایش تکان دهنده گرانی در همه سطوح مختلف نیازمندیهای خانواده کارگری، افزایش سرسام آور نرخ تورم، و رقم چندبار زیر خط فقر حقوق سال قبل را قلم میگیرند. خودشان میدانند رقم تعیین شده چند بار زیر خط فقر است. این نه افزایش دستمزد بلکه کاهش دستمزد و تلاش جنایتکارانه برای کاهش قدرت خرید کارگران است. به همین دلیل همپالگیهایشان در خانه کارگر و نمایندگان به اصطلاح کارگری در "شورای عالی کار سه جانبه گرا" هم با اهداف عوافریبانه و خاص خود جسارت امضای برگه تحمیل فقر افسارگسیخته و مرگ را بر کارگران نداشتند. اینها با ترفند امضا نکردن اولاً میخواهند وانمود کنند که "مدافع کارگرد و کوتاه نمایانند" و به عیب فکر میکنند میتوانند آبروی هیچ وقت نداشته ای برای خود دست و پا کنند. فکر میکنند با این پُز میتوانند آبی بر آتش خشم و نفرت کارگران بپاشند و در مقابل نفرت و اعتراض علیه این تصمیم مانع درست کنند. ثانیاً از همین الان با فضا سازی عیب، به انتظار بازنگری در مورد این تصمیم در میانه سال دامن بزنند! میخواهند عملاً به تثبیت این تصمیم تحت نام بازنگری رسمیت دهند. این یعنی ادامه همان شغل ناشریف "سوپاپ اطمینانی" در راستای جاری شدن سیاستهای به غایت ضد کارگری جمهوری اسلامی، کار کثیفی که در طول عمر جمهوری اسلامی به آن مشغول بوده اند.

در هر حال آنچه به نام "دستمزد" تعیین شده، حتی به معنای رایج کلمه در مناسبات کار و سرمایه "دستمزد" نیست، بلکه تحمیل گرسنگی و مرگ بر مزدبگیران جامعه است. تعرض به سفره هم اکنون خالی

کارگران به سبانه ترین شکل در شرایط فاجعه بار دوره ویروس کرونا است. دوره ناهموار تهدید کرونا موقتی است و به پایان میرسد. تردیدی نیست، طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه امسال آگاهتر و متحدتر از هر زمانی "حداقل دستمزد" اعلام شده جمهوری اسلامی را مردود اعلام میکنند. ایستادگی و مبارزه علیه این تعرض معیشتی

را به مبارزه همه جانبه علیه فقر و بیکاری و گرسنگی گره میزنند. نفرت و خشم تلنبار شده را به انفجار اجتماعی سازمانیافته و هدفمند برای جارو کردن کاپیتالیسم و جمهوری اسلامی در ایران تبدیل خواهند کرد.

۲- **دستور بازگشت به کار در دوره کرونا:** در شرایط گسترش روزمره کرونا و تلفات هر روزه و نگران کننده آن، جمهوری اسلامی از زبان رئیس جمهور جبون و دروغگویش "بازگشت به کار" را اعلام کرده است. نسل کشی انبوه انسانها در ابعاد پیش بینی نشده حاصل این سیاست ضد انسانی خواهد بود. روحانی جنایتکار خود به پیامدهای این سیاست معترف است. در جمع جانیان نشسته در "شورای امنیت ملی شان" گفته: "اگر دو میلیون نفر هم بمیرند" این سیاست را باید اجرا کنند. چرا؟ چون وحشت کرده اذعان دارد، چرخه تولید و سود اندوزی سرمایه به گردش در نیاید، در ابعاد ۳۰ میلیونی با نفرت و اعتراض روبرو میشوند. بی پرده اعلام میکنند برای کسب سود و فقط سود میلیونها انسان باید تلف شوند! ننگ بر این سیستم و سران ضد انسان آن، بن بست و ناکارایی و ناتوانی جمهوری اسلامی در اداره جامعه در شرایط کرونا زدگی به واضحتترین شکل خود را نشان داده است. از معدود کشورهایی است نه تاکنون و نه از این بیعد ظرفیت رعایت استانداردهای مقابله با این ویروس را ندارد. فجایع اتفاق افتاده تاکنونی و چشم انداز مرگ و میر انبوه و گسترده انسانی مستقیماً بر عهده جمهوری اسلامی است. چنانکه اقدامات نهادها و کانونهای همیاری انسانی شکل نگرفته نبود، ابعاد فاجعه بسیار مخربتر و تکان دهنده تر میبود. واقعیت اینست تراژدی بزرگی شهروندان جامعه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را تهدید میکند. جمهوری اسلامی با سوء استفاده از دوره موقت عدم تجمع و تحرک مبارزاتی مردم جان به لب رسیده میخواهد این تراژدی را تحمیل کند. با ابتکار و خلاقیت جدید، با بسیج افکار عمومی در داخل و خارج، باید علیه این تراژی هولناک ایستاد. جمهوری هار اسلامی را باید موظف به رعایت استانداردهای شناخته شده تامین سلامتی و معیشت شهروندان کرد. اما درس اصلی این وقایع اینست، خشم و نفرت و انزجار تلنبار شده را به نیروی سازمانیافته و روشن بین جارو کردن جمهور اسلامی تبدیل کنیم. یکبار برای همیشه نان و جان مردم ایران را از چنگ جمهوری اسلامی رها کرد.





کرونا نیز اعتراضات ادامه دارد. اعتراض برای آزادی زندانیان سیاسی، اعتراض علیه فقر، اعتراض علیه بیکاری، اعتراضات کارگری کماکان در این شرایط به روش های مختلف ادامه یافته است. از سوی دیگر روحیه بالای همبستگی مردمی در مقابله با کرونا و تلاش برای بدست گرفتن کنترل در

مقابله با عوارض کرونا همه و همه از جامعه ای سخن می گوید که دارد نیروی خود را جمع و متمرکز می کند تا یک نظام منفور، دزد و جنایتکار را به زیر بکشد. و این فضا و روحیه است که جمهوری اسلامی را به ترس مرگ انداخته است.

بمب ساعتی هم اکنون در حال تیک تیک است؛ لازم نیست تا پایان کرونا صبر کنید تا صدای تیک تیک آنرا بشنوید. مردم شما را به زیر خواهند کشاند و هر آنکس از قدرت بدستان که جان سالم بدر برند را بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه خواهند کرد. پرونده جنایات تان سیاه است. مبارزه علیه فقر اکنون مهمترین جبهه مبارزاتی ماست. باید این رژیم را مجبور کنیم که معیشت همه را تامین کند. با مبارزات خویش، با اتحاد و همبستگی مان باید جمهوری اسلامی را عقب بنشانیم. تامین معیشت تک تک ساکنین کشور را باید به این نظام تحمیل کرد. باید تضمین کنیم که جمهوری اسلامی خواب کشتار دو سه میلیون انسان برای از کار انداختن بمب ساعتی بیکاری را به گور ببرند.

۱۶ آوریل ۲۰۲۰

برای مبارزه با بیکاری بیکاران را بکشید!

مدیریت بیکاری به سبک جمهوری اسلامی

آذر ماجدی

در این هفته صحبت های کوتاهی از روحانی درز کرد و پخش شد که حقایق پایه ای درباره رژیم اسلامی بازگو می کند. ابتدا صحبت هایش در جلسه "شورای عالی امنیت ملی" به بیرون درز کرد: "اگر دو سه میلیون نفر هم بمیرند، کار را تعطیل نمی کنیم چون بزودی با شورش گرسنگان روبرو خواهیم شد". و سپس از بیکاری بعنوان یک "بمب ساعتی" یاد کرد که بزودی منفجر خواهد شد.

شیخ مرگ بر فراز سر جمهوری اسلامی در گشت و گذار است. این رژیم از روز اول مرگ را با خود به ارمغان آورد؛ مرگ را به خانه های مردم فرستاد؛ و اکنون در هراس از مرگ خویش می خواهد دو سه میلیون انسان را به پای مرگ بکشاند. این دو سه جمله ماهیت کثیف و جنایتکارانه این رژیم را یکبار دیگر برجسته کرد. برای حفظ قدرت و بساط بخور بخور و بچاپ بچاپ از هیچ چیز فروگذار نمی کنند. چنان از مرگ دو سه میلیون انسان صحبت می کند که گویی دارد از کشتن تعدادی مگس حرف می زند.

بعلاوه، نشان داد که ریشه مرگ بر اندام این نظام افتاده است. تصور شورش مردم آنچنان هراسی به جانشان می افکند که حاضرند جامعه را به خاک و خون بکشند. همانگونه که بیش از یک میلیون انسان، کودک و نوجوان را در جنگ با عراق کشتار کردند؛ همانگونه که بیش از صد هزار انسان را در دهه شصت در زندان ها به دار کشیدند و در گورهای دستجمعی دفن کردند؛ همانگونه که هزاران انسان را دار زدند و سنگسار کردند؛ همانگونه که صدها هزار نفر را از فقر و گرسنگی و با محرومیت از امکانات کشتند؛ همانگونه که چند هزار نفر را در آبانماه کشتار کردند؛ می خواهند "دو سه میلیون نفر" را هم با ویروس کرونا بکشند تا "بمب ساعتی بیکاری" را از کار بیاندازند.

این چند جمله گویی دیالوگی از یک فیلم ترسناک علمی - تخیلی است تا سخنان رئیس یک دولت! و توجه داشته باشید دو سه میلیون نفر قرار است برای مقابله با بیکاری جان دهند. طنز زشت و دردناکی است که فقط از یک ذهن بیمار مالیخولیایی می تواند تراوش کند. و این اذهان بیمار مالیخولیایی دارند بر یک جامعه هشتاد میلیونی حکومت می کنند؛ چهل و یک سال است که جامعه ایران در چنگال این دیوانه های مالیخولیایی اسیر است. روش مقابله با مصائب به سبک جمهوری اسلامی: برای مقابله با گرسنگی؛ گرسنگان را بکشید! برای مقابله با بیکاری؛ بیکاران را بکشید!

اما هر چیزی پایانی دارد و پایان جمهوری اسلامی نیز سر رسیده است. مردم می دانند، خودشان نیز می دانند که روزهای آخر کابوس اسلامی فرا رسیده است. بیش از دو سال است که شورش و اعتراضات توده ای مردم خاموش نشده است. حتی تحت این شرایط سخت و سیاه

کار را متوقف می کنیم!

آینده از آن ماست، دستجمعی خودکشی نمی کنیم!

کار را تعطیل کنیم. خانه بمانیم و سر کار نرویم. ما کارگران و کارکنان اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی کنیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. در اوضاع کنونی، سازمان کار جامعه باید حداقلی، اورژانسی و پاسخ به نیازهای ضروری باشد. ما کارگران مراکز تولیدی و کارکنان مراکز اداری و خدماتی، بدون تست مرتب و بدون برخورداری از نیازهای پزشکی حاضر نیستیم در محلهای کار حضور پیدا کنیم. دولت و کارفرمایان متعهد و موظف به تامین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق ها، تامین سلامت و بهداشت محیطهای کار هستند. کار را متوقف می کنیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!

پاندمیک کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی

قسمت چهارم

جمال کمانگر

در بخشهای قبلی این سلسله مقالات تصویر کلی از جهان بعد از کرونا و رقابتهای امپریالیستی برای سهم بزرگتر از بی نظمی جهانی که ویروس کرونا تناقضات آنرا آشکارتر کرده است، مورد بررسی قرار گرفت. افول جایگاه اقتصادی آمریکا و عروج چین به عنوان اقتصاد برتر دنیا، پیامدهای نگران کننده از رقابت برای تصاحب بازارهای جهانی را بوجود آورده است. سونامی بیکاری نتیجه اولیه این بحران است که به تقویت دولتهای پوپولیست از آمریکا و برزیل و انگلستان تا مجارستان و ترکیه و لهستان و فیلیپین شده است. در این بخش به رابطه امنیت غذایی با حق جهانشمول برخورداری از بهداشت و درمان همگانی رایگان می پردازیم.

حق امنیت و بهداشت مواد غذایی

همه ما احتمالا این سؤال را از خود کرده ایم آیا ما وارد قرن شیوع بیماریهای واگیردار در سطح جهان شده ایم؟ چگونه میتوان جلوی شیوع جهانی بیماریها را گرفت؟ تردیدی نیست که افزایش جمعیت، جنگل زدایی، گرمایش زمین، شهرنشینی، تغییر آب و هوا و مسافرتها دهها میلیونی روزانه در جهان باعث عروج پاتوژن های جدید شده یا خواهد شد. تا قبل از شیوع جهانی بیماری کووید - ۱۹ کمتر کسی از آحاد مردم جهان برایشان مهم بود که غذایی که من و شما میخوریم تا چه اندازه به سلامت عمومی همه مردم دنیا ربط دارد. مهم نیست که ما در یک روستای دور افتاده ویتنام یا چین باشیم یا در دل جنگلهای آمازون و آفریقا و یا در مناطق سوزان خاورمیانه زندگی کنیم. ممکن است همه ما تصاویر زیادی از قحطی در آفریقا و سایر مناطق جنگزده دنیا را از صفحه تلویزیون هایمان دیده باشیم. اما هیچ زمانی به اندازه این چند ماه شیوع ویروس کرونا در سطح کلان، جامعه بشری اندیشیدن به منابع مواد غذایی و رابطه انسان علی العموم با طبیعت مورد توجه اش قرار نگرفته است. اینکه منبع پروتئین گوشتی فلان روستایی میمون یا موش یا خفاش باشد، به مسئله جهانی تبدیل شده است. من شخصا گوشتخوار محدود هستم و در نتیجه ارائه آمار زیر در دفاع از گیاه خواری نیست. به قول انگلس با تمام احترامی که برای گیاهخواران دارم، اما بشر اگر گوشت نمیخورد از لحاظ تکامل به اینجا نمیرسید!

در حال حاضر بالغ بر نوزده میلیارد مرغ، یک و نیم میلیارد گاو و یک میلیارد گوسفند که مجموعا سه برابر جمعیت جهان است، وجود دارند که سالانه در مراکز پرورش دام و مرغدارها در شرایط غیره بهداشتی و تراکم شدید نگهداری و کشتار میشوند. همین تعداد حیوان به ظاهر اهلی! که منبع غذایی بشر محسوب میشوند، میتوانند محلی برای جهش صدها ویروس کشنده باشند!

تاکنون اپیدمی کرونا ویروس، ایبولا، ایدز، زیکا ویروس و دهها نوع آنفلونزای مرگی و خوکی پخش و باعث مرگ میلیونها نفر شده است. اینها فقط چند مورد از ۴۰۰ مورد بیماریهای عفونی است که ظرف ۷۵ سال گذشته شناسایی شده است. طبق نظر دانشمندان ۲۵ بیماری عفونی همه گیر بدون واکسن وجود دارد که حیات بشری را تهدید میکند و

هنوز هیچ واکسنی برای مقابله با آن کشف نشده است. سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۴ اعلام کرد که تاکنون ۱۰۰ بار اپیدمی شیوع بیماریهای عفونی در مناطق مختلف جهان رخ داده است. در این میان کشنده ترین پاندمی کروناست و در حال حاضر جهان را تقریبا به تعطیلی کامل کشانده است. ویروس کرونا نشان داد که جامعه بشری هر چند از لحاظ علم و تکنولوژی و ثروت و احاطه بر دنیای پیرامونش قابل قیاس با قرن گذشته نیست، اما کماکان وضعیت شکننده ای در مقابله با بیماریهای همه گیر جهانی دارد. باید ریشه ناتوانی بشر امروز در مقابله با بیماریهای همه گیر را در مناسبات سرمایه دارانه کنونی جستجو کرد.

تا قبل از همه گیر شدن کووید-۱۹ گردش مالی خرید و فروش و پرورش حیوانات کمیاب و وحشی صدها میلیارد دلار بود. نظام سرمایه داری کاری به شرایط اسفبار پرورش، شکار و فروش این حیوانات نداشت. مهم سود سرشاری بود که از این طریق عایدش میشد. اما شیوع ویروس کرونا تمام معادلات را برهم زده است. بالا رفتن آگاهی مردم نسبت به عادات غذایی کشورهای مختلف و خطراتی که ممکن است در نتیجه مصرف این نوع حیوانات بشر را تهدید کند، دولتهای مختلفی را تحت فشار قرار داده است که دست به اقدام عملی بزنند. برای نمونه کشور ویتنام در ۱۸ مارس پیشنویس قانونی را بتصویب رساند که بازار خرید و فروش حیوانات وحشی را که میلیاردها دلار ارزش دارد متوقف کند. متعاقب آن دولت چین هم بازار خرید و فروش حیوانات وحشی را موقتا تعطیل کرده است و لیستی از حیوانات وحشی را از سبد غذایی مردم خارج کرده است و خرید و فروش و نگهداری آنها با جریمه سنگین مواجه میشود. امنیت و بهداشت غذایی باید به عنوان حق جهانشمول انسان برسمیت شناخته شود. بشر این امکان را دارد که این خواسته را متحقق کند.

حق جهانشمول بهداشت و درمان همگانی

پاندمی کرونا نشان داد که نه خدا، نه شاه، نه میلیاردرها برای نجات بشریت از این بیماری مهلک کارهای نبوده اند، بلکه دکتر، پرستار، نظامی، راننده آمبولانس و کارگران بخش مواد غذایی و تولید مواد بهداشتی از جمله در خط مقدم دفاع از سلامت بشر در این دوران سخت هستند. دنیا قبل از بحران کرونا، پر از نابرابری در سطح بین المللی و محلی بود. هنوز در آمریکا با ثروت و تکنولوژی انبوه، میلیونها نفر از مردم، محروم از بیمه های درمانی دولتی هستند. بیمار شدن در آن کشور ثروتمند به معنی ورشکستگی مالی و خانه خرابی است! ویروس کرونا چهره کریه و ضد انسانی نظام سرمایه داری را بیش از هر بحران دیگری جلو چشم بشریت گذاشته است. میزان مرگ و میر در میان بخش آسیب پذیر جامعه سندی دیگر بر ناکارآمدی این نظام است. تلاش برای زدودن فقر و

پاندمیک کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی

قسمت چهارم ...

محرومیت، به ویژه فراگیر شدن خواست حق جهانشمول بهداشت و درمان همگانی رایگان، گام نخست در مقابله با پاندمی بعدی است که در کمین بشر نشسته است. بشر حتی اگر به واکسن کرونا هم دسترسی پیدا کند مادام که به این درک نرسد که باید درمان و بهداشت عمومی و امنیت غذایی در همه دنیا به عنوان حق جهانشمول انسان برسمیت شناخته شود، هنوز مخاطرات جدیدی تهدیدش میکند.

حق هر انسان برای زیستن و برخوردار بودن از سلامت جسمی یک اصل بنیادین جامعه انسانی است. ما در برنامه "یک دنیای بهتر" بر "حق سلامتی، حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه" را به عنوان اصلی تخطی ناپذیر و قابل وصول همین امروز اعلام کرده ایم. در کشورهای مختلف از جمله کوبا و بدرجاتی در انگلستان، درمان و بهداشت عمومی از حوزه بازار خارج شده است و به عنوان حق همه شهروندان به رسمیت شناخته شده است. هرچند در انگلستان پزشک خصوصی و درمان بخش خصوصی و لوکس در کنار خدمات پزشکی عمومی وجود دارد. در نتیجه خواست درمان و بهداشت عمومی رایگان و استاندارد برای همه خواستی فوری و قابل اجرا در همین نظام بورژوازی است. سلامت فعالیتهای اقتصادی علی القاعده با تضمین سلامت همه مردم ممکن است، امری که تناقضات سرمایه داری و اصل سودآور بودن همواره آنرا زیر سوال میبرد. در قسمت آخر این یادداشتها به مطلوبیت سوسیالیسم برای جهان امروز خواهیم پرداخت.

ادامه دارد....

نباید گذاشت کسی گرسنه بماند!

تأمین معیشت و حقوق پایه مردم وظیفه مستقیم دولت است. در دوره بحرانی کنونی این وظیفه بی اما و اگر است. باید رژیم را موظف به تأمین معیشت مردم کرد. نهادهای همیاری، که اینروزها نماد نعدوستی و همبستگی انسانی اند، نباید بگذارند کسی بدون غذا و نیازهای اولیه بماند. در هر گوی و برزن بداد همسایه و سالمندان و محرومان برسیم. نیازهای غذائی و بهداشتی را به طرق مختلف تأمین و توزیع کنیم. مبتکرانه راه های کمک رسانی را پیدا کنیم و به همدیگر اطلاع دهیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

دولت را موظف کنیم!

- بیدرنگ شهرها و مناطق بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای درمانی، بهداشتی، معیشتی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تأمین و تضمین کند!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تأمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفتی با کاهش ساعات کار تضمین شود!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- کودکان کار و خیابان، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تأمین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- لغو پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران!
- لغو پرداخت بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کلیه زندانیان سیاسی بدون

تعلل و فوراً آزاد باید گردند!

انزجار قرار گرفت.



مزدوری و خوشخدمتی دولت محلی اقلیم کردستان به جمهوری اسلامی سابقه طولانی دارد. شهرهای کردستان عراق جولانگاه عوامل اطلاعاتی و تروریستی جمهوری اسلامی است. تاکنون دهها فعال سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خاک کردستان عراق توسط عوامل

اطلاعاتی جمهوری اسلامی ترور شده اند. حکومت محلی اقلیم کردستان در ادامه همسویی و همکاری با جمهوری اسلامی، مصطفی سلیمی را تحویل جنایتکاران اسلامی داد. این جنایت توجیه بردار نیست و حکومت محلی اقلیم کردستان در مقابل مردم آزادیخواه کردستان باید جوابگو باشد و مردم نباید در مقابل این عمل شنیع سکوت کنند. محکوم کردن این اعمال شنیع و غیرانسانی و وظیفه مردم آزادیخواه کردستان و هر انسان شریفی میباشد. علاوه بر این مردم آزادیخواه کردستان در رابطه با سیاست احزاب ناسیونالیست مستقر در خاک کردستان عراق، عدم مسئولیت پذیری و لاقیدی نسبت به جان مصطفی سلیمی و انکار نقش کلیدی اتحادیه میهنی در استرداد مصطفی سلیمی به جمهوری اسلامی نباید گذشت کنند.

حکومت اقلیم در کردستان عراق یک حکومت بورژوا ناسیونالیستی است و باندهای مافیایی آن را هدایت میکنند. اسم کرد را بر خود یدک می کشد اما به همان "ملت کرد" و یا یک پناهند "کرد" هم رحم نمیکنند. یکی از خصیصه های بارز و تاریخی این احزاب مزدوری و خوش خدمتی در قبال قدرتهای منطقه است که تاریخ طولانی دارد. این اعمال و خصیصه ها هم ریشه در ماهیت ناسیونالیستی و بورژوائی آنها دارد و هم از این حکومتها به ارث برده اند. داشتن سهمی از قدرت و دزدی و ثروت اندوزی بر همه چیز ارجحیت دارد؛ بر انسانیت، شرافت سیاسی، حقوق و آزادی بیان، رفاه و خوشبختی مردم. هر دو بال این حکومت، یکی با جمهوری جنایتکار اسلامی و دیگری با دولت فاشیست ترکیه به معامله و بده و بستان مشغولند. نماینده اقلیم در تهران شرم ندارد که بگوید ما مصطفی سلیمی را تحویل دادیم به دلیل اینکه او زندانی سیاسی نبود، سارق مسلح بود! کلماتی که جمهوری اسلامی برای توجیه این جنایت به خورد جامعه می دهد.

این رویداد دردآور که مردم آزادیخواه جوامع کردستان را در ماتم فرو برد، فرصت و فرجه ای مناسب برای مردم ایجاد کرد که بیشتر به ماهیت ناسیونالیستی و جنایتکارانه و غیر انسانی این احزاب پی ببرند. زیاد تفاوتی ندارند. ماهیت همه احزاب ناسیونالیست در اصل یکی است. همه احزاب ناسیونالیست تاریخا مادام و هر جا به درجه ای از قدرت دست یافته اند همینطور عمل کرده اند. نباید به این احزاب توهم داشت. ستم ملی و "کردایتی" دستمایه معامله و گرفتن سهمی از قدرت محلی است. هیچوقت مبارز واقعی رفع ستم ملی نبوده و نیستند و با مستبدترین حاکمان منطقه در اعمال ستم بر مردم "کردستان" همدست و شریکند و خود بر اعمال ستم و تبعیض و نابرابری بر همین مردم "کرد" به حاکمیت ادامه می دهند. مصطفی سلیمی قربانی این سیاستها شد. *

۱۶ آوریل ۲۰۲۰

معامله کثیف دولت اقلیم کردستان

استرداد و اعدام مصطفی سلیمی

سعید یگانه

با تحویل دادن مصطفی سلیمی زندانی سیاسی به دولت جنایتکار اسلامی و اعدام او، بار دیگر از چهره و ماهیت ناسیونالیستی و جنایتکارانه مافیای قدرت در حکومت اقلیم کردستان عراق پرده برداشت. اکنون دیگر افکار عمومی بخصوص در هر دو منطقه کردستان عراق و ایران از معامله کثیف دولت محلی اقلیم کردستان عراق، استرداد و اعدام مصطفی سلیمی زندانی سیاسی توسط جنایتکاران دولت اسلامی باخبر هستند و از عمق مزدوری و خوشخدمتی و معامله بر سر جان و زندگی انسانها که برای فرار از مرگ و تیغ اعدام به آنها پناه آورده اند آگاهند. تقدیم دو دستی مصطفی سلیمی توسط سازمان امنیتی حکومت محلی اقلیم به مزدوران اسلامی، که خوب آگاه بودند در صورت استرداد اعدام خواهد شد، نفرت عظیمی را علیه احزاب ناسیونالیست و مافیای قدرت در اقلیم کردستان دامن زده است.

مصطفی سلیمی زندانی سیاسی بعد از ۱۷ سال زندان و حکم اعدام بالای سر او، بعد از فرار از زندان برای نجات از مرگ به منطقه پنجوین در اقلیم کردستان عراق پناه برد. طبق اخبار و اطلاعات موثق مردم او را در پناه خود گرفتند و قصد کمک به او را داشتند. اما سازمان امنیت محلی به بهانه تست کرونا به مردم دروغ گفت و سر آنها کلاه گذاشتند و او را از چنگ مردم درآوردند و علیرغم تقاضای او مبنی بر حفظ جان او که اگر تحویل داده شود اعدام خواهد شد، مصطفی را تحویل جنایتکاران اسلامی دادند و چنانکه انتظار میرفت دو روز طول نکشید اعدامش کردند.

جمهوری اسلامی، حکومتی جنایتکار و مستبد و ضد بشر است و ماهیت آن برای همگان روشن است. تاکنون بیشتر از صد هزار نفر از مخالفین سیاسی خود را اعدام و هم اکنون هزاران زندانی سیاسی به جرم آزادیخواهی و حق طلبی و مخالفت سیاسی و مدنی با جمهوری اسلامی در سیاه چالهای جمهوری اسلامی بسر میبرند. اما این مورد، فرار یک زندانی سیاسی از مرگ و پناه آوردن به حکومت اقلیم، تحویل و اعدام او بسیار اسفبار و دل هر انسان شرافتمندی را به درد آورده است. انسانی در جستجوی آزادی و فرار از مرگ به جوخه اعدام سپرده شد. ننگ بر شما!!

تحویل مصطفی سلیمی به دست جنایتکاران اسلامی نقض ابتدایی ترین نرم و اصول انسانی است که دولت محلی اقلیم کردستان عراق مرتکب شد. او پناهنده سیاسی بود و مطابق اصول شناخته شده بین المللی میبایست به او پناه داده می شد. به این دلیل از نظر مردم آزادیخواه کردستان و همه سازمانهای مترقی و آزادیخواه، حکومت محلی اقلیم کردستان شریک جرم این جنایت است و بحق مورد نفرت و

برای مصطفی سلیمی

سیاوش دانشور

مثل فرار استیو مک کوئین در فیلم پاپیون از زندان جزیره گویان که روی امواج دریا داد زد؛ "حرومزاده ها من هنوز زنده ام!" در فرار امید به زندگی موج میزند، شورش علیه قانون لانه کرده است، ایستادن در مقابل دم و دستگاه سرکوب پلاتفرمش است، و مهمتر، جنگ آخر است که امکان پیروزی اش کم است اما اگر هم شکست خوردی؛ شکستی باشکوه است.

مصطفی در این جنگ آخر نسبتاً پیروز شده بود. در نیمه راه بود. هنوز بجای امنی که دیگر تهدیدی بالای سرش نباشد نرسیده بود. اما شاید هرگز تصور نمی کرد که دوستان سابقش که بخاطر همراهی شان ۱۷ سال زندانی کشید بدادش نرسند و حکومت کارتنی و قبله گاه دوستان سابقش بخاطر مثنی دلار چرکین، کت بسته وی را تحویل جلاخان اسلامی دهند تا بعد از یک شکنجه مفصل بدارش آویزند! نمیدانم آخرین ساعات و دقیق در ذهن مصطفی چه گذشته است! اما تردید ندارم که این زخم و درد واقعیات تلخ بارها مثل فیلم تند شده از مقابل چشمانش رد شده است.

با اینحال امروز مداوماً خودم را جای مصطفی گذاشتم. احساس کردم اگر من جای وی بودم آرامش بیشتری داشتم. نگرانی و اضطراب سابق را از هر باز شدن درب زندان در این سالها نداشتم. مسئله برایم روشن و ساده و تمام شده بود. احساس غرور داشتم. چشمانم برق میزد. از اینکه جنگ آخرم را کردم و بدرجه ای پیروز شدم خشنود بودم. هیجان شیرین آن لحظات فرار و عبور از مرز و زندگی کوتاه در مخفیگاه هنوز درونم موج میزد. دیگر حس درد شکنجه را نداشتم و اگرچه با خیانتی کثیف و همدستی جنایتکارانه دوباره دستگیر و اعدام میشوم، اما بسیار بهتر از اعدام کت بسته از سلول تا سالن دار است. این حس یک لحظه امروز من را رها نکرد. مصطفی کمابیش یک زندانی بی نام و نشان بود و یا کمتر شناخته شده بود، اما با این جنگ آخر و شهادت و تصمیمی که گرفت خود را به دنیا نشان داد و صد البته کثافت و رذالت و جنایت حکومت و همدستانش در اتحادیه میهنی را روی صحنه آورد.

مصطفی جان، شنیده ام آدم دوست داشتی و با محبتی بودی. هم بندی هایت به نیکی از تو یاد کرده اند. بدورد رفیق زندانی! تو کارت را کردی! سمپاتی دنیائی را بخود جلب کردی و البته نفرت دنیائی را از جنایتکاران! آرام بخواب رفیق زندانی!

۱۱ آوریل ۲۰۲۰

مرگ از دریچه عینک یک زندانی معنی دیگری دارد. همان نیست که راجع به آن کتابها نوشته اند و فلسفه ها بافته اند. زندان نوعی اتاق انتظار مرگ است. مهم نیست و شاید تفاوت ماهوی ندارد که زیر بازجویی هستی یا حکم داری. در انفرادی یا در بند هستی. در زندان ممکن است مرگ به هزار طریق سراغت بیاید. اگر در مریضی و عفونت ناشی از کابل و فارچ و گال جان ندهی، ممکن است زیر فشار سیستماتیک روانی و جسمی و سیاست شخصیت شکنی بازجوها به سمتی سوق ات دهند که خودکشی کنی. ممکن است توطئه ای برایت بچینند و کشته شوی. ممکن است یکی از شب ها در "زیر هشت" زیر رگبار مشت و لگد جان دهی. خیلی چیزها ممکن است. اگر اعدامی باشی، هر بار که صدای باز شدن در را میشنوی انگار چیزی درونت فرو می ریزد و منتظری که بگویند وسائلت را جمع کن، وقتش است! اگر جاییت را عوض میکنند و یا منتقلت میکنند، در ذهنت مسیر میدان تیر و میعادگاه اعدام را تجسم میکنی. ذهنیت زندانی، یک اسیر، در شرایط نابرابر، بسیار پیچیده و در نوع خود بی نظیر است و البته آغشته به توهم، بدبینی، و بالاخره تسویه حساب با خود که؛ هرچه بادا باد!

اما هیچ چیز برای زندانی شیرین تر از فرار نیست. مسئله اینجا بحث حقوقی فرار از زندان نیست که حق هر اسیر است. خیر، مسئله تداوم یک جدال بین فرد و یک دستگاه مخوف ویرانگری است. کمترین تصور رمانتیستی فرار برای زندانی شاید هوس پرنده به پرواز باشد. پرنده ای که در قفس است. شاید برای همین است که هر زندانی در هر سلول و دخمه ای این عبارت شیرین را روی دیوار دیده که یکی مثل او، معلوم نیست کی، نوشته است: "پرواز را بخاطر بسیار، پرنده مردنی است!"

مصطفی و مصطفی ها، سیاسی و غیر سیاسی، هوس پرواز داشتند. هوس یک دل سیر فریاد زدن در کوه و جنگل مثل اسب زین نشده، مثل کسی که انگار صدها سال در غل و زنجیر بوده و حال نفس میکشد.

همیاری انسانی را گسترش دهیم!

زنان و مردان آزادیخواه، جوانان انقلابی، انساندوستان! دست همدیگر را بگیریم. به شیوه های ایمن ابتکارات مختلف را بکار گیریم. کودکان کار، بی مسکنان، حاشیه نشینان، محرومان، سالخوردهگان، بیماران، معتادین و کسانی که قربانیان این نظامند، بیش از بقیه نیازمند دست یاری هستند. از نیاز به وسائل بهداشتی و غذا و لباس تا جایی برای آرمیدن. همیاری انسانی را گسترش دهیم. اینروزها تعیین کننده اند. همه میخواهند زندگی کنند. من، تو، ما، میخواهیم زنده بمانیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

زنده باد اول مه!

أفقِ طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعتِ صنفِ خاصی را دنبال نمیکند، دینِ ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیتِ خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میداند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایتِ اهدافِ خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالباتِ بلاواسطه اش، که آنهم در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیادِ سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسباتِ بردگیِ مدرنِ مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتنِ بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۰

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!